

بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راه کارهای مکان محور برای پیش گیری وضعی از جرم

تاریخ پذیرش: 1395/11/10

تاریخ دریافت: 1395/06/05

مهدی مقیمی¹

از صفحه 155 تا 186

چکیده

زمینه و هدف: آموزه‌های مرتبط با پیش‌گیری وضعی، «موقعیت ارتکاب جرم» را یکی از عوامل اساسی جرم محسوب می‌کند. «مکان» می‌تواند از نظر ایجاد یا تأثیر بر موقعیت جرم، به‌عنوان یکی از شاخص‌های بنیادین، در محور تحلیل‌های پیش‌گیری وضعی قرار گیرد. هدف مقاله حاضر، بررسی نقش مکان در پیدایش موقعیت جرم و تبیین ارتباط میان «مکان» با تدابیر پیش‌گیرانه وضعی است. چگونگی شناسایی مکان‌های جرم‌خیز و عوامل مؤثر در پیدایش آن‌ها، مهم‌ترین اهداف فرعی است.

روش‌شناسی: مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش اسنادی با استفاده از منابع اصلی کتابخانه‌ای (کتاب‌ها و مقالات تألیفی، ترجمه‌ای و ...) و ابزار فیش‌نویسی تألیف شده است.

یافته‌ها: در بخش اول مقاله، معیارهای ماهیتی درباره «مکان» به‌عنوان یکی از عوامل اصلی موقعیت جرم و تعامل مؤثر آن با تدابیر پیش‌گیری وضعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم این مقاله، به تحلیل جرم‌شناختی اماکن و محل‌های بحرانی جرم و ارائه تدابیر پیش‌گیرانه وضعی مرتبط با آن‌ها می‌پردازد.

نتایج: سیاهه جرایم با توجه به ویژگی‌های مکانی توزیع می‌شود. بزه‌کاران با توجه به ویژگی‌های جرم‌شناختی حاکم بر منطقه یا محل، در انتخاب مکان ارتکاب جرم، دست به محاسبه‌هایی منطقی می‌زنند. بر این مبنا، می‌توان با توجه به «مکان»، به تدابیر پیش‌گیرانه جهت بخشید و به مؤثرترین شیوه، منابع محدود پیش‌گیری را صرف بحرانی‌ترین اماکن کرد.

واژه‌های کلیدی: جرم، پیش‌گیری وضعی از جرم، مکان‌محور، امنیت پایدار، جرم‌شناسی.

جرم را می‌توان «پدیده‌ای مکانی» تلقی کرد؛ بدین معنا که صرفاً با وجود یک مکان، می‌توان وقوع جرم را متصور شد. مطابق آموزه‌های جرم‌شناسی محیطی، جرم حاصل انتخاب به‌هنگام بزه‌کار است، انتخابی که با فراهم آمدن یک موقعیت مناسب برگزیده می‌شود؛ بنابراین منطقی است که ارتکاب جرم را در موقعیتی مطلوب، ناشی از وجود مکانی مناسب، یک شکار معقولانه منفعت دانست. از این رو، مکان نقش چشم‌گیری را در پیدایش موقعیت جرم ایفا می‌کند و می‌توان آن را «بستر پایدار و دایمی» موقعیت جرم محسوب کرد.

از سویی، پیش‌گیری وضعی که رویکردی موقعیت‌مدار است، درصدد از بین بردن موقعیت جرم از طریق برهم زدن عناصر تشکیل‌دهنده موقعیت است. بنابراین، مکان را می‌توان یکی از ملاحظات اساسی در هر نوع برنامه‌ریزی برای پیش‌گیری وضعی دانست. معمولاً تا چند دهه پیش حداکثر منابع پیش‌گیری، به بزه‌کار و بزه‌دیده اختصاص می‌یافته است، اما پیش‌گیری وضعی این مجال را به‌وجود آورد که به «زیستگاه جرم» نیز توجه شود؛ چرا که همیشه، این زیستگاه (مکان) وجود دارد که شکارچی (بزه‌کار) برای شکار می‌آید. در این راستا، یکی از نتایج کاربردی توجه به مکان در تدابیر پیش‌گیرانه وضعی، شناسایی مناطق جرم‌خیز، یعنی مکان‌های خاص با نرخ‌های بالای جرم است.

تحقیقات نشان داده‌اند که به اشکال مختلفی می‌توان وقوع انواع جرایم را به مکان‌های خاصی نسبت داد. از سویی، منابع پیش‌گیری از جرم نه‌تنها در ایران، بلکه در کل دنیا بسیار محدود است؛ از این رو، در دنیای امروزی نحوه تخصیص منابع پیش‌گیری از جرم و تخصص‌گرایی در این امر از اهمیت بالایی برخوردار است. پیش‌گیری وضعی به واسطه برخورد تخصصی و فنی با پدیده بزه‌کاری، درصدد استفاده بهینه از منابع بسیار اندک پیش‌گیری است. بنابراین، با شناخت و تحلیل نظام‌مند «مکان» به‌عنوان یکی از عوامل به‌وجود آورنده موقعیت و یکی از معیارهای جرم‌شناختی پیش‌گیری، می‌توان تخصیص بهینه منابع پیش‌گیری، انتخاب راه‌کارهای مؤثرتر پیش‌گیرانه، اجرای کارآمد آن و کاهش حداکثری جرم را تضمین کرد. هدف اصلی مقاله

حاضر، بررسی مشخصه‌های جرم‌شناختی-پیش‌گیرانه «مکان» وقوع جرم و تشریح ارتباط منطقی و پیوسته «مکان»، با تدابیر و راه‌کارهای پیش‌گیرانه وضعی است.

مبانی نظری

157

بیش‌تر نظریه‌های جرم‌شناسی در پی کشف عوامل بزه‌کار شدن اشخاص هستند. آن‌ها عوامل دور بزه‌کاری نظیر تربیت دوران کودکی، ساختار وراثتی، عوامل روان‌شناسی و اجتماعی را عامل این امر می‌دانند. اما برخی از رویکردهای نوین جرم‌شناسی بدون در نظر گرفتن فرآیند بزه‌کار شدن فرد، به «روند مادی ارتکاب جرم» توجه می‌کنند. پیش‌گیری وضعی یکی از مصادیق این رویکردها است که درصدد کاهش فوری، حداکثری و کم‌هزینه جرم از طریق حذف «عوامل نزدیک و آنی» جرم است.

از دیدگاهی کلی می‌توان عوامل جرم را به دو دسته درونی (فردی) و بیرونی (محیطی و مکانی) طبقه‌بندی کرد. پیش‌گیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً درصدد حذف عوامل بیرونی بزه‌کاری و کاهش فرصت‌های مستعد ارتکاب جرم است. برخلاف پیش‌گیری اجتماعی که بر مبنای علت‌شناسی بزه‌کاری است، پیش‌گیری وضعی بر نقش وضعیت ماقبل بزه‌کاری در فرایند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه و روند مادی ارتکاب جرم تمرکز دارد.

«موقعیت» به‌عنوان یکی از «عوامل وقوع پدیده مجرمانه»، قصد، انگیزه، وسوسه و میل به نقض قانون را به‌وجود می‌آورد. موقعیت‌ها، وضعیت‌های پیش‌جنایی هستند که تصمیم به ارتکاب جرم را ترغیب و تقویت کرده و به امید تحصیل نفع، بر ارزیابی از خطرات و درجه و میزان دشواری جرم تأثیر می‌گذارند (ابراهیمی، 1387: 131)؛ بر این اساس، تمرکز پیش‌گیری وضعی بر زمان‌ها و محیط‌هایی است که موقعیت ارتکاب جرم را به‌وجود می‌آورند، نه بر کسانی که مرتکب جرم می‌شوند. این نوع پیش‌گیری با تحلیل شرایطی که موجب ارتکاب انواع جرایم می‌شود، در پی تغییر مدیریت و محیط است به‌طوری که رفتار مجرمانه مشکل‌تر، خطرناک‌تر، کم‌مزیت‌تر و دارای توجیه‌پذیری کم‌تری شود.

از سویی، شکل‌گیری پدیده مجرمانه، مستلزم بروز یک رفتار از سوی عامل انسانی در یک زمان و مکان است. صرف‌نظر از علل یا عوامل پیدایش پدیده مجرمانه، وجود یک بستر زمانی و مکانی برای وقوع پدیده مجرمانه ضروری است. عامل مکانی پدیده مجرمانه همانند عامل زمانی و انسانی می‌تواند واجد ویژگی‌های منحصر به فردی باشد که وقوع این پدیده را ممکن، گاه آسان یا دشوار می‌کند؛ از این رو، ویژگی‌های موجود در یک مکان می‌تواند از حیث وقوع پدیده مجرمانه، آن را از سایر مکان‌ها متمایز کند. بنابراین توجه به ویژگی‌های مکانی پدیده مجرمانه، به‌عنوان یکی از در دسترس‌ترین و بدیهی‌ترین عوامل بزه‌کاری می‌تواند معیاری مشخص برای اجرای تدابیر پیش‌گیرانه وضعی در اختیار گذارد.

البته در بسیاری از نظریه‌های سنتی جرم‌شناسی مانند مکتب جغرافیایی جرایم که حاصل اندیشه‌های کتله و گری بود (نوربها، 1386: 49)، برخی از نظریه‌های مکتب اثباتی با محتوای بوم‌شناختی (دانش، 1366: 271) یا در برخی نظریه‌های منتسکیو بر این مبنا که محیط جغرافیایی می‌تواند کانونی برای جرایم مختلف باشد (کی‌نیا، 1370: 468) نیز، مکان به‌عنوان مبنای تحلیل‌ها و تبیین‌های بزه‌کاری قرار گرفته است.

اما در این مقاله، منظور از محیط و مسائل مربوط به آن، محیط طبیعی و تأثیرات اقلیمی بر رفتار انسان‌ها نیست. در حقیقت، جرم قبل از آن‌که پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از شرایط جامعه و مکان وقوع آن است (رحمت، 1388: 70). بر همین مبناست که بزه‌کاران بالقوه نیز برای ارتکاب جرم دست به «انتخاب مناسب‌ترین مکان» می‌زنند.

با نگاهی تخصصی به «مکان» می‌توان با معیاری واحد، همه جرایم را بررسی و تحلیل کرد. در نظر گرفتن عامل مکان در پیش‌گیری وضعی، جرم‌شناسان و دست‌اندرکاران عرصه پیش‌گیری را از محدود شدن به مفاهیم انتزاعی یا بحث‌های کلان درباره طبقه اجتماعی، نژاد، بهره‌هوشی و ... به دور نگاه می‌دارد. پیش‌گیری وضعی با توجه به موقعیت و به تبع آن، مکان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی وقوع جرم، به بررسی ویژگی‌های حاکم بر الگوهای رفتاری و تأثیرگذار بر انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری و ... می‌پردازد. به‌طور کلی با معیار قرار دادن مکان، می‌توان از مزایای زیر بهره برد:

- 1- منابع پیش‌گیری وضعی را می‌توان به‌طور تخصصی به مناطق جرم‌خیز و آماج‌هایی با بیش‌ترین میزان بزه‌دیدگی اختصاص داد.
 - 2- راه‌کارهای پیش‌گیرانه وضعی را در مکان‌های برخوردار از ویژگی‌های مشابه اجرا کرد.
 - 3- منابع محدود پیش‌گیری را متناسب با نیاز هر مکان یا منطقه صرف کرد. زیرا هر یک از جرایم در هر مکان به میزان مشخصی واقع می‌شوند؛ بنابراین، در راستای استفاده بهینه از منابع، اجرای راه‌کارهای پیش‌گیرانه نیز می‌بایست متناسب با سهم هر مکان از جرایم حادث در آن باشد.
 - 4- مرتکبان جرایم شدید و بزه‌کاران خطرناک را شناسایی کرد.
 - 5- برای ثبت و مستندسازی جرایم، ابزاری سنجشی و کاربردی در اختیار دست‌اندرکاران عرصه عدالت کیفری گذاشت و محدودیت‌های موجود در زمینه اطلاعات و رویه‌های پیش‌گیرانه را آشکار کند.
 - 6- با استفاده از اطلاعات مکانی جرم می‌توان الگوهایی را طراحی کرد که مشکلات ناشی از تکرار جرم را کم‌تر کند.
- با این وصف، مکان وقوع جرم ارتباطی تنگاتنگ با پیش‌گیری وضعی دارد و در برنامه‌ریزی برای این عرصه، می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای نسبتاً پایدار در نظر گرفته شود. در ادامه، برای شناخت و تحلیل مکانی بزه‌کاری سه موضوع ضروری یعنی «طبقه‌بندی مکانی جرایم»، «عزیمت برای ارتکاب جرم» و «قاعده 20-80» تشریح می‌شود.

طبقه‌بندی مکانی جرایم

پیش‌گیری وضعی بر این اندیشه استوار است که گذر از اندیشه به عمل مجرمانه، نه‌تنها به انگیزه مرتکب، بلکه به خصوصیات وضعی نیز بستگی دارد؛ بنابراین، با مدیریت محیط می‌توان از ارتکاب برخی جرایم پیش‌گیری کرد (ابراهیمی، 1387: 68).

برای تعریف، تحلیل و تفکیک جرایم به‌ظاهر مشابه یکدیگر، باید آن‌ها را طبقه‌بندی کرد. با طبقه‌بندی، این امکان فراهم می‌آید تا بتوان جرم مورد نظر را با جرایم شناسایی‌شده مشابه مقایسه، و ویژگی‌های مهم آن‌ها را شناسایی کرد. با دسته‌بندی

جرائم است که می‌توان متناسب‌ترین و مؤثرترین راه‌کار یا راه‌حل کاهش این جرائم را یافت. از سویی می‌توان تحلیل‌ها و راه‌کارهای کاهش جرم مورد نظر را از راه‌کارها و تحلیل‌های انواع دیگر جرائم متمایز کرد. شیوه‌های گوناگونی برای طبقه‌بندی جرائم وجود دارد. شیوه‌ای که در زیر ارائه می‌شود، مبتنی بر دو معیار جرم‌شناختی «محیط» و «رفتار» است. تفکیک با استفاده از این دو معیار کمک می‌کند که جنبه‌های مهم آسیب، سوءنیت و روابط حاکم میان آماج جرم و بزه‌کار شناسایی شود (اک و کلارک¹، 2003: 213).

«محیط‌ها» به دلیل فعالیت‌هایی که اشخاص در آن‌جا انجام می‌دهند یا کسانی که آن‌جا را اداره می‌کنند، امکان دسترسی به آماج جرم را فراهم می‌آورند. با شناسایی نوع محیط، می‌توان محیط‌های جرم‌خیز را از سایر محیط‌ها تفکیک کرد و ویژگی‌های آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد. از سویی یکی از ویژگی‌های ممتاز محیط‌ها این است که هر مکان یا محیطی، مالک یا متصدی دارد که می‌تواند در کاهش جرم نقشی مهم ایفا نماید. به‌طور کلی 10 نوع محیط، به شرح زیر با مسائل جرم‌شناسی مرتبط هستند (گلدشتاین و ساملیش²، 2006: 322):

محیط‌های مسکونی: نظیر خانه‌ها، آپارتمان‌ها و اتاق‌های هتل؛ گرچه اغلب آن‌ها در مکان‌هایی ثابت قرار دارند، اما برخی نیز مانند وسایل نقلیه تفریحی متحرک هستند.

اماکن تفریحی: مانند رستوران‌ها، سینماها، زمین‌های بازی، بندرگاه‌ها و پارک‌ها.

ادارات: محل انجام امور اداری و دفتری هستند که ویژگی آن‌ها، تعامل نزدیک و رودرروی کارکنان و ارباب رجوع است. اغلب امکان دسترسی به این اماکن کم است؛ مانند اماکن دولتی و عمومی.

اماکن تجاری و بازارها: مکان‌هایی هستند که اشخاص می‌توانند پیاده یا سواره در آن‌جا رفت و آمد و معامله کنند؛ مانند فروشگاه‌ها و بانک‌ها.

1- Eck, John and Ronald Clarke
2- Goldstein, H., and C. Susmilch

اماکن صنعتی: این اماکن محل تولید اجناس و کالاها هستند. در این محل‌ها، معاملات نقدی در زمره فعالیت‌های با اهمیت محسوب نمی‌شود و مشتری حضور کم‌رنگی دارد؛ کارخانه‌ها، انبارها و محل بسته‌بندی کالاها از جمله این مکان‌ها هستند.

محیط‌های کشاورزی: محل‌هایی برای پرورش محصولات کشاورزی، دام و طیور هستند.

اماکن آموزشی و مذهبی: اماکنی هستند که برای مطالعه یا یادگیری اختصاص داده شده‌اند؛ مانند مراکز بهزیستی، مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و اماکن مذهبی.

مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی: اماکنی هستند که مردم در صورت بروز مشکل به آن‌ها مراجعه می‌کنند؛ مانند زندان‌ها، ادارات پلیس، بیمارستان‌ها و مراکز ترک اعتیاد.

معاور عمومی: کلیه مسیرهایی هستند که محیط‌های دیگر را به هم مرتبط می‌کند؛ مانند جاده‌ها، پیاده‌روها.

وسایل و پایانه‌های حمل و نقل: مکان‌هایی هستند که جابه‌جایی توده‌ای عظیم از مردم در آن‌جا صورت می‌گیرد؛ مانند اتوبوس‌ها، ترمینال‌ها، هواپیماها، فرودگاه‌ها، قطارها، ایستگاه‌های راه‌آهن، قایق‌ها، اسکله‌ها و ...

اماکن بلاصاحب: مناطقی بدون استفاده مشخص یا کاربردهای از پیش تعیین شده هستند؛ مانند ساختمان‌های متروکه و اموال بلاصاحب.

با توجه به این که مکان‌ها بستری برای وقوع رفتارها (ی مجرمانه) محسوب می‌شوند ناگزیر، رفتارها به‌عنوان دومین ضابطه در طبقه‌بندی جرایم بررسی خواهند شد. در کل شش نوع رفتار مرتبط با مسائل جرم‌شناسی وجود دارد:

رفتار غارتگرانه¹: در این نوع رفتار، بزه‌کار و بزه‌دیده هیچ‌گونه رابطه‌ای با هم نداشته‌اند. اغلب جرایم متداول مانند سرقت مقرون به آزار، سرقت از منازل، کودک‌آزاری و ... از این دسته‌اند.

رفتار توافقی²: رفتاری است که طرفین به‌صورت آگاهانه و با رغبت اقدام به انجام آن می‌کنند؛ مانند فروش مواد مخدر، معامله اموال مسروقه و ... (شرمن³، 2007: 408).

1- Predatory behavior

2- Consensual behavior

3- Sherman

رفتارهای تعارضی¹: بروز رفتار خشونت‌آمیز از سوی هر دو طرف دعوی (درگیری) است که بر اثر سوابق قبلی ایجاد می‌شود. برخی از انواع خشونت‌های خانوادگی میان بزرگسالان از این نوع رفتار است، اما خشونت‌های خانوادگی میان کودکان و بزرگسالان در دسته رفتارهای غارتگرانه محسوب می‌شود.

بی‌نظمی‌های اجتماعی²: در این نوع رفتار بزه‌کاران از بزه‌دیدگان قابل تفکیک هستند، اما آسیب‌ها جدی و شدید نبوده و تعداد بسیاری از اشخاص بزه‌دیده می‌شوند. بسیاری از مسائل که آزاردهنده، ناخوشایند یا با آلودگی‌های صوتی همراه است، اما آسیب‌های جدی به افراد و اموالشان وارد نمی‌آورند در این دسته جای می‌گیرند؛ مانند میهمانی‌های پر سر و صدا.

در معرض خطر بودن³: در این نوع رفتار، یا بزه‌دیده و بزه‌کار یک شخص است یا اصولاً بزه‌کار قصد آسیب رساندن به بزه‌دیده را ندارد؛ مانند شروع به خودکشی، مصرف بیش از حد مواد مخدر و تصادفات رانندگی.

سوء استفاده از پلیس⁴: تقاضاها و درخواست‌های تعریف‌نشده و بدون توجیح در خصوص استفاده از خدمات پلیسی، گزارشات خلاف واقع و تماس‌های مکرر در خصوص موضوعاتی که مردم خود نیز می‌توانند به آن‌ها رسیدگی کنند، از این دسته است. از این شاخه رفتاری در مواردی استفاده می‌شود که آسیب، تنها از رفتاری ناشی شود که برخورد با آن مستلزم به‌کارگیری منابع پلیسی باشد.

عزیمت برای ارتکاب جرم

رفتار هر شخص معمولاً محصولی از کنش متقابل میان فرد و محیط است. بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسی فقط به مورد نخست توجه می‌کنند (با طرح این سؤال که چرا اشخاص خاصی، بیش‌تر یا کم‌تر از دیگران تمایل به بزه‌کاری دارند). این امر موجب غفلت از مورد دوم یعنی عامل مکان (ویژگی‌های مهم محیطی که در تبدیل تمایلات مجرمانه از قوه به فعل کمک می‌کند) می‌شود.

1- Conflicts
2- Incivilities
3- Endangerment
4- Misuse of police

البته در یک مکان یا محله شلوغ، ضرورتاً جرم در هر جا و هر زمانی اتفاق نمی‌افتد. این واقعیت که اشخاص و اموال در سطح شهر پخش هستند، به این معنا نیست که فرصت‌های ارتکاب جرم نیز به‌طور مساوی پخش شده باشد. با در نظر گرفتن استثنائات اندک، جرم به شکل اتفاقی رخ نمی‌دهد؛ زیرا بزه‌کاران آماجی را به آماج دیگر ترجیح می‌دهند. مناسب‌ترین آماج، مطلوب‌ترین فرصت ارتکاب جرم تلقی می‌شود که آن نیز برخاسته از محیط است (رایجیان اصلی و همکاران، 1387: 109). علاوه بر این، به دلایل زیر فرصت‌های جرم به‌طور متفاوت و متناسب با زمان و مکان توزیع شده‌اند (محمدنسل، 1387: 414-415):

- بسیاری از مکان‌ها برای وقوع جرم نامناسب هستند؛
- بسیاری از اشخاص و اموال، هدف‌های مناسبی برای حمله مجرمانه نیستند؛
- یک مکان خاص ممکن است در یک زمان برای جرم مطلوب باشد و در زمان دیگر نباشد؛
- بزه‌کاران بالقوه نمی‌توانند در همه جا حاضر باشند.

در این زمینه، تحقیقات پیش‌گیری وضعی نشان داده که بزه‌کاران، سوژه یا آماج خود را معمولاً از سه راه انتخاب می‌کنند؛ شناخت قبلی بزه‌دیده، شغل، تشابه حیطه فعالیت (اسکات و گلدستاین¹، 2010، 259). تشابه حیطه فعالیت، بیش از دو راه دیگر (شناخت قبلی و شغل) واجد آثار جرم‌شناختی است. مفهوم حیطه فعالیت، رکن اصلی نظریه الگوی جرم² است که توسط جرم‌شناسان کانادایی، پت و پائول برانتینگهام مطرح شده (کرنیش و کلارک³، 2008: 132). مطابق این نظریه، بزه‌کاران در طول فعالیت‌های روزمره، آماج جرم را انتخاب می‌کنند. این موضوع بر این منطبق عقلائی استوار است که ارتکاب جرم، طبق روال روزمره، ساده‌تر است؛ در غیر این صورت باید برای آن متحمل سختی‌های زیادی شد.

1- Scott, M.S. and H. Goldstein

2- Crime pattern theory

3- Cornish and Clarke

بسیاری از مطالعات بر مبنای نظریه فعالیت‌های روزمره نشان می‌دهند مسافتی که برای ارتکاب جرم طی می‌شود نیز اغلب کوتاه است. بزه‌کاران عموماً در نزدیکی منازلشان مرتکب جرم می‌شوند. یکی از متخصصان پیش‌گیری از جرم، 258074 مورد عزیمت بزه‌کاران برای ارتکاب جرم در طول دو سال را در اداره پلیس وست میدلند، یکی از بزرگ‌ترین ادارات پلیس انگلستان تحلیل کرده و به نکات زیر دست یافته است:

- حدود نیمی از عزیمت‌ها مسافتی کم‌تر از یک مایل بوده‌اند، (در بیش‌تر مطالعات صورت‌گرفته در کشورها یا مناطق کم‌ازدحام‌تر مانند بسیاری از ایالات آمریکا، عزیمت‌ها کمی طولانی‌ترند؛ چرا که تراکم جمعیت، کم‌تر و دسترسی به وسایل نقلیه بیش‌تر است).
- طول مسیر با توجه به نوع جرایم متفاوت است؛ برای مثال دله‌دزدان از مغازه‌ها، نسبت به دیگر بزه‌کاران مسافت بیش‌تری را طی کرده‌اند.
- زن‌ها نسبت به مردها مسافت بیش‌تری را طی کرده‌اند، احتمالاً بدین خاطر است که اکثراً مرتکب دله‌دزدی می‌شوند.
- بزه‌کاران در عزیمت برای ارتکاب جرم بسیار متفاوت از یکدیگرند. برخی از آن‌ها معمولاً در محله خود مرتکب جرم شده‌اند و برخی دیگر مسافت بیش‌تری را طی کرده‌اند، خصوصاً هنگامی که با دیگر بزه‌کاران در ارتکاب جرم شرکت کرده‌اند.
- بزه‌کاران نوجوان در مناطقی بسیار نزدیک به منزل خود مرتکب جرم می‌شوند، در حالی‌که بزه‌کاران 20 ساله و بالاتر مسافت بیش‌تری را طی کرده‌اند (کلارک و نیومن¹، 2008: 239).

برای هدف‌مند کردن این یافته‌ها باید در ابتدا باید بررسی کرد که بزه‌کاران در چه اماکنی گرد هم می‌آیند. با مد نظر قرار دادن نظریه الگوی جرم و تفکر دقیق بر دلایل حضور و عدم حضور بزه‌کاران نتایج مطلوبی حاصل خواهد شد. باید توجه داشت که منطقه‌ای با نرخ بالای جرایم، ممکن است دارای خیابان‌های عاری از جرم باشد و در عین حال اماکنی داشته باشد که محل ارتکاب بیش‌تر جرایم هستند. ممکن است

1- Clarke and Newman

ساکنان نیز بدانند که یک خیابان برای قدم زدن نسبتاً امن است؛ اما خیابان دیگر خیر. حتی ممکن است یک سمت خیابان را به سمت دیگر ترجیح دهند. این یافته‌ها در نهایت، نحوه توزیع جغرافیایی جرم را نشان می‌دهد.

قاعده «20-80»:

یکی از مهم‌ترین قواعد پیش‌گیری وضعی این است که جرم تا حد بالایی، نسبت به اشخاص، اماکن و اشیای معینی صورت می‌گیرد. مطابق این قاعده، 20 درصد از چیزی پدید آورنده 80 درصد نتایج حاصله است. این پدیده را عرفاً قاعده «20-80» نامیده‌اند. در عمل به‌ندرت پیش می‌آید که این نسبت دقیقاً 20-80 باشد. اما همیشه درصد کمی از امور یا گروه‌ها، به‌وجود آورنده درصد زیادی از نتایج هستند (تیلی¹، 2005: 211). بنابراین قاعده اگر منابع پیش‌گیری در محل وقوع اکثر جرایم به‌کار گرفته شوند، پیش‌گیری بیش‌ترین تأثیر را خواهد داشت. این موضوع را صرفاً در مورد اماکن، نقاط و یا محل‌های ارتکاب جرم پی می‌گیریم.

در برخی از کشورهای دنیا، الگوهای جرم در بسیاری از مناطق مسکونی نشان می‌دهد که علت ایجاد مسایل ناشی از جرم، تعداد اندکی بزه‌کار مزمن هستند که در آن نزدیکی زندگی می‌کنند. بر این مبنا می‌توان گفت (رایجیان اصلی و همکاران، 1387: 7-31):

- تعامل پویایی میان محیط فیزیکی و رفتار بزه‌کاران وجود دارد؛
- اکثر بزه‌کاران در اصل کسانی هستند که هنگام ارتکاب جرم، عاقلانه فکر می‌کنند و انتخاب‌های آگاهانه‌ای دارند؛
- فرصت‌های جرم به مکان و زمان بستگی دارند. تفاوت‌های چشم‌گیری را از آدرسی به آدرس دیگر در منطقه‌ای جرم‌خیز می‌توان یافت. جرم در هر ساعت از شبانه روز و در هر روز از هفته بسیار جابه‌جا می‌شود که این امر، بازتاب‌دهنده فرصت‌هایی برای ارتکاب آن هستند.

فرآیند سه مرحله‌ای زیر نشان می‌دهد که در یک مکان آیا قاعده «20-80» در مورد جرم مورد نظر حاکم است یا خیر:

¹ Tilley

1. باید از اماکن، با احتساب جرایم مربوط به هر یک از آن‌ها فهرستی تهیه کرد و سپس با توجه به تعداد جرایم، آن‌ها را به ترتیب کرد؛

2. درصد جرایم هر مکان را محاسبه و با هم جمع کرد و سپس درصد‌های مربوط به جرایم را با هم جمع کرد، بهتر است از مبتلایان مکان شروع کرد؛

3. مجموع درصد‌های مکان‌ها را با مجموع درصد‌های جرایم مقایسه کرد. این امر نشان‌دهنده آن است که مبتلایان مکان به چه میزان محل وقوع جرم است.

بخش دوم مقاله حاضر، به بررسی تخصصی و جرم‌شناختی اماکن، نقاط، مسیرها و مناطق بحرانی می‌پردازد. سپس با تلفیق ویژگی‌های جرم‌شناختی این موارد با تحلیل‌ها و شناخت کلی حاصل آمده از یک مکان، که در بخش اول تشریح شد، به ارائه الگوها، تدابیر و راه‌کارهای پیش‌گیرانه وضعی می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع تألیفی به زبان اصلی (انگلیسی)، کتاب‌ها و مقالات تألیفی و ترجمه‌ای، سایت‌های اینترنتی، قوانین مدون داخلی و خارجی و برخی از طرح‌های اجرا شده با هدف پیش‌گیری از جرم تألیف شده است. لازم به ذکر است که در تدوین ساختار کلی مقاله و میزان شرح و بسط مطالب از اظهارنظرهای کارشناسی نیز استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

اماکن بحرانی:

اماکن، محیط‌هایی با کارکردهای خاص هستند و به‌گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. برخی از اماکن دائماً محل ارتکاب جرم و بی‌نظمی‌های اجتماعی هستند. در واقع، این اماکن در مقایسه با مورد مشابه، از نظر جرم‌خیزی بحرانی‌تر هستند. این اماکن محل ارتکاب بیش‌ترین نرخ جرایم و تخلفات بوده و به آن‌ها اماکن بحرانی یا پرمخاطره گفته می‌شود.

در یک جمع‌بندی از مستندات موجود در این زمینه، «پیمایش ملی جرم» در چند کشور از جمله آمریکا، انگلیس و هلند در سال 2000 نشان می‌دهد که: 65 درصد از کل سرقت‌های مقرون به آزار، بیش از 50 درصد از تماس‌های مربوط به رها کردن اتومبیلی که سارق با استفاده از آن مرتکب سرقت و جرایم مواد مخدر شده است، 50 درصد از جرایم خشونت‌آمیز گزارش شده در طول سال تحصیلی 1999، بیش از 40 درصد از موارد تخریب اموال عمومی، 25 درصد (103 مورد) از 415 مورد انواع جرایم گزارش شده، به ترتیب در 6 درصد از فروشگاه‌های مواد غذایی دانورس ماساچوست، 10 درصد از پمپ‌های بنزین آستین تگزاس، 8 درصد از مدارس استکهلم، 9 درصد از ایستگاه‌های اتوبوس شهر لیورپول بریتانیا، یک پارکینگ طبقاتی شهر ناتینگهام بریتانیا صورت گرفته‌اند (بران¹، 2006: 211).

بررسی تعداد قابل توجهی از تحقیقات (اسکات²، 2009: 49) حداقل هشت دلیل را برای بحرانی بودن این‌گونه اماکن نشان می‌دهند:

1- تفاوت تصادفی: ممکن است به‌طور تصادفی بتوان محدود اماکنی را یافت که محل ارتکاب اکثر جرایم هستند. این مورد بیش‌تر زمانی مصداق می‌یابد که جرم تنها در چند مکان با نرخ جرم پایین بررسی می‌شود؛ بنابراین بهتر است این اماکن در مقطع زمانی دیگری نیز کنترل شوند. اگر ترتیب وقایع در هر دو مقطع تقریباً یکسان باشد، تفاوت تصادفی است.

2- شیوه گزارش‌دهی جرایم: ممکن است مسئولان برخی اماکن همواره جرایم ارتكابی در آن‌جا را به پلیس گزارش کنند، در حالی که دیگر اماکن با این که همین نرخ وقایع در آن‌ها واقع می‌شود، اما نرخ بسیار کم‌تری را گزارش می‌کنند. کنترل این امر مشکل است؛ بنابراین باید با ابتکاراتی نظیر مصاحبه از کارکنان پلیس دریافت که آیا نرخ جرایم ثبت‌شده، با مشاهدات آن‌ها از جرایم ارتكابی در این اماکن تطابق دارد یا خیر؟

3- تعداد آماج‌های جرم: یکی از دلایل بیش‌تر بودن جرم در مکانی نسبت به مکانی دیگر، بیش‌تر بودن آماج جرم در آن‌جا نسبت به دیگری است. بنابراین در بسیاری از

1- Brown
2- Scott

فروشگاه‌ها، بزرگی فروشگاه علت پرمخاطره بودن آن نیست، بلکه وجود آماج‌های زیاد علت عمده این امر تلقی می‌شود. با بررسی نرخ‌ها مشخص می‌شود که آیا تعداد آماج‌های جرم در جرم مورد نظر تأثیری دارد یا خیر. نرخ، نشان‌دهنده تعداد جرایم نسبت به آماج‌های جرم در مقطعی از زمان است. برای احتساب تعداد آماج جرم می‌توان به شیوه زیر عمل کرد:

1. تعیین نوع جرم یا جرایم مورد نظر (برای مثال سرقت از وسایل نقلیه)؛
2. تعیین جمعیت در معرض خطر (برای مثال وسایل نقلیه)؛
3. تعیین محل‌ها و مدت زمان (برای مثال پارکینگ‌های مرکز شهر طی یک سال)؛
4. یافتن منابع اطلاعاتی که حاوی شمار جرم یا جرایم مورد نظر و آماج‌های هر مکان باشد (برای مثال جرایم گزارش شده به پلیس) (بران¹، 2006: 211)؛
5. برای هر مکان، تقسیم تعداد جرم یا جرایم بر تعداد آماج‌ها. عدد به‌دست آمده، نرخ جرم مورد نظر است.

4- فرآورده‌های در معرض خطر: ممکن است مکانی پرمخاطره، به‌جای برخورداری از تعداد زیادی آماج جرم، دارای آماج‌ها یا اجناس چشم‌گیر و جذاب باشد. با توجه به یافته‌های پیش‌گیری وضعی از جمله قاعده «20-80» تمامی اجناس، به‌طور یکسان در معرض خطر جرم نیستند؛ برای مثال، پول نقد، شایع‌ترین ربودنی در سرقت‌های عادی، سرقت از منازل و سرقت‌های مقرون به آزار است. پنج معیار کلی برای جذاب و چشم‌گیر تلقی کردن اجناس عبارتند از؛ پنهان شدنی، منقول، در دسترس، ارزشمند، جذاب و قابل خرج (اک و اسپلمن²، 2009: 198).

5- موقعیت مکانی: اماکنی که در مناطق جرم‌خیز قرار دارند، مثلاً در محل سکونت بسیاری از بزه‌کاران به عادت، در معرض خطر بیشتری قرار دارند؛ زیرا بزه‌کاران ترجیح می‌دهند برای ارتکاب جرم، مسافت چندانی را طی نکنند.

1- Brown

2- Eck and Spelman

6- بزه‌دیدگی مکرر: تکرار بزه‌دیدگی به مجموع تعداد جرایمی اشاره دارد که یک بزه‌دیده یا آماج از اولین تا آخرین جرم، آن‌ها را تجربه کرده است. بیش‌تر اشخاص جامعه معمولاً بزه‌دیده نمی‌شوند یا در صورت بزه‌دیده شدن، تعداد بزه‌دیدگی آنان اندک است؛ این در حالی است که شمار اندکی از اشخاص، بزه‌دیده بیش‌ترین جرایم می‌شوند. برخی اماکن، اشخاصی که نسبت به جرم آسیب‌پذیرترند را جذب خود می‌کنند. در این راستا باید بزه‌دیدگان اماکن پرخطر و بی‌خطر را مقایسه کرد. اگر تعداد تکرارهای بزه‌دیدگی، متفاوت باشد تکرار بزه‌دیدگی ناشی از خطر زیاد اماکن پرخطر، در مقایسه با اماکن بی‌خطر است.

7- جاذب‌های جرم: به اماکنی که بزه‌کاران بسیاری را به خود جذب می‌کنند، جاذب جرم گفته می‌شود. در اماکن جاذب جرم، تعدد جرم وجود دارد و نرخ جرم بالا است.

8- ضعف مدیریت: هنگامی که مالکان یا مدیران اماکن، کنترل یا مدیریت کارآمدی نداشته باشند، خطر در آن مکان تشدید می‌شود. تسهیل نظارت طبیعی، تأسیس نظارت رسمی و به‌کارگیری نگهبان، متصدی و ... از جمله راه‌کارهای ارتقای مدیریت پیش‌گیرانه محسوب می‌شود (بران¹، 2006: 211).

در تحلیل‌های پیش‌گیرانه، هر یک از اماکن بحرانی دارای یکی از ویژگی‌های جرم‌شناختی زیر است:

جرم‌زا: مکان‌هایی هستند که تعداد زیادی از مردم، به دلایلی که ارتباطی با انگیزه‌های مجرمانه ندارند، در آن‌جا جمع می‌شوند. فراهم آمدن فرصت‌های متعدد ارتکاب جرم و جمع شدن آماج‌های جرم در یک مکان و زمان، می‌تواند جرایم و بی‌نظمی‌های اجتماعی را به‌وجود آورد. مصادیقی از اماکن جرم‌زا عبارتند از مراکز خرید، پایانه‌های حمل و نقل، جشنواره‌ها و استادیوم‌های ورزشی و...؛ بنابراین علت اصلی بالا بودن نرخ جرایم و بی‌نظمی‌های اجتماعی در این‌گونه اماکن، وجود تعداد زیاد آماج‌های جرم و اشخاصی است که از این مکان‌ها استفاده می‌کنند و نه انگیزه مجرمانه.

جاذب جرم: مکان‌هایی هستند که فرصت‌های متعددی برای ارتکاب جرم فراهم می‌آورند. کسانی که انگیزه‌های مجرمانه دارند، به سمت چنین مکان‌هایی جذب

می‌شوند. مناطق فروش مواد مخدر و مناطقی که روسپی‌گری در آن‌جا رواج دارد، از این دسته‌اند. برخی از نقاطِ مراکز تفریحی نیز برای ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه معروف شده‌اند. ممکن است در ابتدای امر، این مناطق تنها برای ساکنان محل شناخته شده باشند، اما هنگامی که تعداد بزه‌کارانی که به این مناطق مراجعه می‌کنند افزایش یابد، نرخ جرایم و بی‌نظمی‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ از این‌رو ماهیت این اماکن و ویژگی‌های آن‌ها صرف‌نظر از مراجعان آن‌ها، انگیزه ارتکاب جرم را به‌وجود می‌آورد.

شتاب‌بخش جرم: هنگامی مصداق می‌یابد که در اماکن، یا مقررات رفتاری وجود نداشته یا معدود باشد یا رعایت نشود. برخی مواقع مدیریت با گذر زمان تحلیل می‌رود و این امر به مرور منجر به افزایش مشکلات می‌شود. ممکن است اماکن شتاب‌بخش جرم با حذف عامل حفاظت و نظارت به‌وجود آیند (پیز¹، 2008: 122)؛ برای مثال اگر والدین به همراه کودکانشان در زمین بازی حضور پیدا کنند، هم‌زمان هم از کودکان محافظت می‌کنند (حفاظت) و هم از بروز سوء رفتار در کودکان جلوگیری (نظارت نزدیک) می‌کنند. اگر شیوه رفتاری والدین کم‌کم تغییر کند و کودکان به حال خود رها شوند، خطر بزه‌دیدگی یا بزه‌کار شدن فرزندشان افزایش می‌یابد.

برخی از جرم‌شناسان معتقدند که اماکن می‌توانند از نظر جرم‌خیزی خنثی باشند، به‌عبارتی نه جرمی جذب کنند و نه آماج جرمی را و کنترل رفتارها نیز در آن‌جا مناسب باشد. این اماکن معمولاً دارای نرخ اندکی از جرم هستند و جرم‌های ارتكابی در آن‌ها از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند (لیکاک و تیلی²، 2009: 302). به همین خاطر به‌ندرت پیش می‌آید که اماکن خنثی، توجه پلیس و مسئولان را به‌خود جلب کند. برخلاف این که نیاز چندانی به تحلیل جرایم در این‌گونه اماکن احساس نمی‌شود، تحلیل جرایم در آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چرا که امکان قیاس مؤثر آن با دیگر اماکن را به‌وجود می‌آورد. مقایسه مناطق خنثی با مناطق بحرانی، کمک می‌کند تا بتوان تفاوت‌هایی را که در مناطق جرم‌زا، جاذب جرم یا شتاب‌بخش جرم ایجاد بحران می‌کند را شناسایی کرد.

1- Pease

2- Laycock and Tilley

تبیین جرم‌شناختی بحرانی شدن یک مکان، حداقل سه مسئله زیر را پیش رو می‌گذارد: تعداد آماج‌های جرم، تعداد بزه‌کارانی که از این نقاط بهره‌برداری می‌کنند، میزان کنترلی که در آن مکان اعمال می‌شود. گهگاه ممکن است هر سه مورد با هم عامل بحرانی شدن یک مکان تلقی شوند (پیز¹، 2006: 311)؛ برای مثال با راه‌اندازی مسیرهای جدید، تعداد مشتریان افزایش پیدا می‌کند که ممکن است بزه‌کاران از فرصت‌های پیش‌آمده برای ارتکاب جرم استفاده کنند. ممکن است افزایش جرایم ارتكابی موجب شود که تعداد مشتریان کاهش یابد که این عامل موجب حذف عامل حفاظت می‌شود. تأثیر دیگر آن، این است که با کاهش منابع تجاری، میزان مدیریت محل نیز کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان این‌گونه تصور کرد که یک مسئله به‌عنوان یک عامل ایجادکننده جرم شروع به رشد می‌کند، بعد به جاذب و در نهایت به شتاب‌بخش جرم تبدیل می‌شود.

محل‌های بحرانی:

محل‌های بحرانی، محل‌هایی با نرخ بالا یا غیرمعمول جرم هستند. به‌طور کلی عوامل مختلفی برای متفاوت بودن این گونه محل‌ها از سایر محله‌ها از نظر جرم خیزی بیان شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به بازده‌های پولی بیشتر، تراکم بیش‌تر قربانیان بالقوه، احتمال کمتر دستگیری، وجود امکانات و انگیزه‌های بیش‌تر برای سکونت و ... اشاره کرد (صمدی و همکاران، 1389: 247-248).

محل‌های بحرانی فعلی نشان‌دهنده خلأهای غیرمعمول در جرم هستند؛ بنابراین، تفاوت قائل شدن میان محل‌های بحرانی فعلی و سابقه‌دار می‌تواند مفید باشد. محل‌های بحرانی سابقه‌دار دارای نرخ بالاتر و مداوم‌تری از جرم نسبت به سایر محل‌ها هستند و بعید است که جرایم این‌گونه محل‌ها کاهش یابند، مگر این‌که در آن‌ها اقدامی انجام شود. بحرانی بودن محل‌ها، ناشی از وجود نقاط، مسیرها یا مناطق جرم‌خیز در آن‌ها است:

- **نقاط بحرانی:** مکان‌هایی هستند که سطوح جرم در آن‌جا بالا است. این نقاط نشان می‌دهند که جرم در اماکن یا آدرس‌های بزه‌دیدگان مکرر متمرکز شده است.

• **مسیرهای بحرانی:** خیابان‌هایی هستند که جرم در آن‌جا متمرکز شده است. این مسیرها در صورتی شکل می‌گیرند که مثلاً نرخ بالایی از تخریب شیشه خودرو و داخل شدن به آن، بر روی وسایل نقلیهٔ پارک‌شده در طول خیابان‌هایی خاص صورت گیرد.

• **مناطق بحرانی:** مناطقی هستند که جرم در آن‌ها متمرکز شده است. ویژگی‌های موجود در هر منطقه ممکن است جرم را در این مناطق افزایش دهد (لیکاک¹، 2007: 233). یک منطقه بحرانی ممکن است شمار زیادی از جرایم مستقل و مجزا را در برگیرد. یکی از نظریه‌پردازان این عرصه به نام جری راتکیلف، میان دو نوع از محل‌های بحرانی منطقه‌ای تفاوت قایل می‌شود:

- آن‌هایی که دارای الگویی به هم چسبیده و گروهی، از جرایم هستند،

- آن‌هایی که دارای پراکندگی یکنواخت و متناسب از جرایم، در سطح منطقه بحرانی مورد نظر هستند.

با روشن شدن ماهیت محل‌های بحرانی، افقی اندک از راه‌کارهای پیش‌گیرانه به شرح زیر نمایان می‌شود:

• نقاط بحرانی بیانگر لزوم ایجاد تغییر در محیط فیزیکی مکان‌هایی خاص یا تغییر در نحوه مدیریت آن‌ها هستند. آن‌ها هم‌چنین گویای لزوم مداخله و اقدام در مورد بزه‌دیدگان در معرض خطر بالا هستند.

• مسیرهای بحرانی بیانگر لزوم تغییر و اصلاح محیطی خیابان‌ها، راه‌ها و دیگر مسیرها یا فقط محیط داخل آن‌ها هستند.

• مناطق بحرانی بیانگر لزوم مشارکت همه نهادها و شهروندان در سطحی وسیع هستند؛ به‌طوری که محله‌ها تغییر یابند (اک²، 2007: 98).

بهتر است تحلیل محل‌های بحرانی با نقاط آغاز شود و سپس خیابان‌ها و در آخر مناطق بررسی شوند؛ برای مثال در تحلیل مسئله خودروهای بلاصاحب و رهاشده باید

1- Laycock

2- Eck

معیارهای زیر را مد نظر قرار داد: آیا آن‌ها مکرراً در آدرس‌های خاص یافت می‌شوند؟ اگر جواب مثبت است، آنگاه باید درصدد بود که چرا این اماکن به سایر اماکن نزدیک آن‌جا ترجیح داده می‌شوند؟ اگر پاسخ منفی است، بهتر است به بررسی خیابان‌ها پرداخت. اگر تمرکز در سطح خیابان باشد، بهتر است برای یافتن این‌که چرا برخی خیابان‌ها محلی برای این‌گونه خودروهاست، ولی سایر خیابان‌ها خیر، خیابان‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد. اگر تمرکز در سطح خیابان اندک بود (یعنی جرم به‌طور یکنواخت و متناسب در سطح شمار زیادی از خیابان‌ها گسترده باشد)، آنگاه بهتر است به تمرکز در سطح منطقه توجه کرد و مناطق دارای تمرکز زیاد و کم را با یکدیگر مقایسه کرد. اتخاذ این رویکرد، تضمین‌کننده راه‌کاری است که بیش‌ترین احتمال کاهش جرم را دارد.

تحلیل محل‌های بحرانی می‌تواند در ابتدا ابزاری ارزشمند در فرآیند پیش‌گیری وضعی باشد، اما برای کشف محل‌های بحرانی لازم است روشن شود که چرا برخی محل‌ها بحرانی هستند و برخی دیگر خیر؟ اگر عنصری جغرافیایی در جرم مورد نظر دخیل نباشد، نقشه‌برداری از محل‌های بحرانی کارایی اندکی دارد و باید از سایر رویکردهای تحلیلی بهره گرفت.

جابه‌جایی بزه‌کاری

پیش‌گیری وضعی درصدد کاهش موقعیت‌های ارتکاب جرم با اجرای راه‌کارهای پیش‌گیرانه است. مطابق نظریه جابه‌جایی بزه‌کاری، ممکن است جرم حول پنج محور زیر جابه‌جا شود (مؤسسه قانون و عدالت¹، 2008: 501):

- 1- انتقال جرم از محلی به محل دیگر (انتقال جغرافیایی)؛
- 2- انتقال زمان ارتکاب جرم از زمانی به زمان دیگر (انتقال زمانی)؛
- 3- انتقال سوژه یا آماج جرم به آماجی دیگر (انتقال آماج)؛
- 4- تغییر نحوه ارتکاب جرم (انتقال شیوه، ترفند)؛
- 5- ارتکاب جرم دیگری به‌جای جرم مورد نظر (انتقال نوع جرم).

در هر یک از موارد بالا، نظریه جابه‌جایی فرض را بر این می‌گذارد که بزه‌کاران قطعاً مرتکب جرم می‌شوند، حتی اگر هر تدبیر یا راه‌کار پیش‌گیرانه‌ای مانع آن‌ها شود (بنابراین فرض ارتکاب جرم قطعی است). این فرضیه مبتنی بر گرایش باطنی بزه‌کار به ارتکاب جرم بوده و این میل را به قدری قوی می‌داند که او را مجبور به ارتکاب جرم می‌کند، آن هم به همان شیوه‌ای که در ذهن بزه‌کار است. فرضیه دیگر این نظریه این است که بزه‌کاران حرفه‌ای یا معتادان برای امرار معاش باید درآمد مکفی از ارتکاب جرم عایدشان شود.

اما در واقع دلیل قاطعی وجود ندارد که نشان دهد بزه‌کاران برای ارضای تمایلات شدید روانی خود (جبر روانی) دست به ارتکاب جرم می‌زنند؛ بلکه برعکس، دلایل زیادی بیان‌گر این مطلب هستند که انسان‌ها در ارتکاب جرم و این که کجا و چگونه مرتکب جرم شوند اختیار دارند؛ بنابراین، نظریه جابه‌جایی بزه‌کاری نقش مهم «وسوسه و موقعیت» را در ارتکاب جرم نادیده می‌گیرد. این نظریه حتی در مورد بزه‌کاران مزمن نیز «موقعیت ارتکاب جرم» را نادیده می‌گیرد. تحقیقات انجام‌شده بر معتادان نیز نشان می‌دهد که آن‌ها برای مصرف مواد و اعتیاد خود، به هر نوع تغییراتی خو می‌گیرند (اک¹، 2007: 98).

در مورد بزه‌کاران حرفه‌ای مانند سارقان بانک، بر خلاف فرضیه جابه‌جایی بزه‌کاری نمی‌توان گفت که همیشه درآمد ثابتی از ارتکاب این جرم عایدشان می‌شود. چنانچه برای این نوع بزه‌کاران شرایطی فراهم شود که ارتکاب سرقت را سخت‌تر و مخاطره‌آمیزتر کند، مطمئناً سرقت‌های کمتری مرتکب می‌شوند. سارقان بانک به‌مثابه سارقان دیگر گاهی مجبور می‌شوند که به دلیل وجود شرایط و اوضاع و احوال مذکور (سخت و پرخطر شدن سرقت) سطح توقعات خود را پایین آورده و به درآمد کم‌تر قانع شوند (کلارک و اک²، 2009: 68).

البته نمی‌توان جابه‌جایی بزه‌کاری را نادیده گرفت. در واقع مطابق نظریه انتخاب منطقی، زمانی که منافع حاصل پس از جابه‌جایی بزه‌کاری، بیش از هزینه‌های تحمیلی ارتکاب جرم به بزه‌کار باشد، جابه‌جایی بزه‌کاری هم‌چنان ادامه می‌یابد.

1- Eck

2- Clarke and Eck

بسیاری از تحقیقات بیان‌گر این مطلب هستند که یا جابه‌جایی بزه‌کاری صورت نمی‌گیرد یا در صورت وجود، بسیار محدود است. چهار گزارش موثق از انگلستان، کانادا، آمریکا و هلند در این رابطه وجود دارد. گزارش هلند (جدیدترین گزارش) 55 پروژه پیش‌گیرانه را در کل جهان مورد بررسی قرار داده، در 22 مورد آن هیچ‌گونه جابه‌جایی رخ نداده و در 33 مورد باقی‌مانده فقط بعضی از جرایم جابه‌جا شده‌اند. در هیچ‌یک از این موارد، نرخ جرم جابه‌جا شده با نرخ جرم پیش‌گیری شده برابر نبوده، هم‌چنین جابه‌جایی موجب افزایش جرم دیگری نشده است (کرنیش و کلارک¹، 2009: 122).

معمولاً جابه‌جایی بزه‌کاری محدود است؛ زیرا بزه‌کاران به سختی می‌توانند سریعاً خود را با شرایط جدید سازگار کنند. اگر بزه‌کاران با شرایط جدید سازگار شوند، احتمال بسیار زیادی دارد که اماکن، زمان‌ها، آماج، شیوه‌ها و انواع جرایمی را جابه‌جا کنند که با موارد مشابه فروبسته توسط برنامه‌های پیش‌گیری از جرم مشابهت دارد؛ بنابراین، با حدس زدن اموری که سازگار شدن بزه‌کاران با آن‌ها آسان است، می‌توان جابه‌جایی بزه‌کاری را پیش‌بینی کرد.

جابه‌جایی بزه‌کاری همیشه تهدیدی در راه اجرای اقدامات پیش‌گیرانه محسوب می‌شود؛ اما دلایل نظری قوی وجود دارد که نشان می‌دهد جابه‌جایی بزه‌کاری الزاماً به وقوع نمی‌پیوندد. علاوه بر این مطالعات صورت‌گرفته بر جابه‌جایی بزه‌کاری نشان می‌دهند که حتی در صورت وقوع، ممکن است جابه‌جایی به‌صورت کامل و همه‌جانبه نباشد و می‌توان بخش عظیمی از جرم را با اقدامات سالب موقعیت جرم کاهش داد. بحث را با بررسی جابه‌جایی جغرافیایی جرایم پی می‌گیریم.

جابه‌جایی جغرافیایی بزه‌کاری زمانی رخ می‌دهد که مداخله و اجرای راه‌کار، فرصت ارتکاب جرم در یک نقطه را یا محدود کرده یا از بین برده است و بزه‌کاران مجبور می‌شوند برای ارتکاب جرم به نقطه یا محدوده دیگری بروند.

بزه‌کاران حرکت به نقاط دیگر را دشوار تلقی می‌کنند؛ چرا که با تغییر مکان، فرصت‌های موجود برای بی‌نظمی یا ارتکاب جرم محدود می‌شود. آماج‌ها ممکن است در برخی مکان‌ها متمرکز بوده و در برخی مکان‌ها متمرکز نباشند. بزه‌دیدگان بالقوه ممکن

است در برخی مکان‌ها یافت شده و در برخی مکان‌ها یافت نشوند. برخی اماکن وسایل اندکی برای کنترل رفتارها در اختیار دارند، در حالی که برخی دیگر این‌گونه نیستند. فرصت‌های موجود یا تحریک‌آمیز بوده یا آن‌که آن‌قدر از دسترس بزه‌کاران دورند که برای ارتکاب جرم مناسب تشخیص داده نمی‌شوند.

بزه‌کاران در مواقعی که مجبور به جابه‌جایی می‌شوند چندان وقت خود را صرف بررسی نقاط دوردست نمی‌کنند. به عبارت دیگر اگر آن‌ها تصمیم به جابه‌جایی بگیرند نقطه‌ای را انتخاب خواهند کرد که به پاتوق همیشگی ارتکاب جرم نزدیک باشد؛ بنابراین هر قدر فاصله بزه‌کاران با پاتوق همیشگی‌شان بیشتر می‌شود فرصت ارتکاب جرم توسط آن‌ها نیز کمتر می‌شود. همه مکان‌ها برای بزه‌کاران مناسب نیستند؛ چرا که فرصت‌ها در همه نقاط به‌طور یکسان فراهم نمی‌شوند (هسلینگ¹، 2007: 345).

با محقق شدن جابه‌جایی‌های جغرافیایی، احتمال انتقال جرم به موقعیت‌های مکانی خاصی افزایش خواهد یافت که بسیار شبیه موقعیت‌های مکانی تأثیرپذیرفته از راه‌کارهای پیش‌گیرانه هستند. این نوع جابه‌جایی‌ها در مقایسه با جابه‌جایی جرایم به موقعیت‌های مکانی بسیار متفاوت، تلاش و آموزش کم‌تری را لازم داشته و خطر کم‌تری را برای بزه‌کاران در پی خواهند داشت. در چنین شرایطی احتمال این‌که بزه‌کاران برای مقابله با راه‌کار پیش‌گیرانه تلاش کنند زیاد است. اگر بزه‌کاران توان مقابله با راه‌کار پیش‌گیرانه را نداشته باشند، در آن صورت آشناترین موقعیت‌های مکانی، بیش‌ترین احتمال جذب جابه‌جایی جرم را خواهد داشت. مناطقی که بیش‌ترین احتمال جذب جابه‌جایی‌ها را دارند قابل پیش‌بینی هستند، اما برای این امر لازم است که اطلاعات کافی از فرصت‌های ارتکاب جرم در موقعیت فعلی وجود داشته باشد.

استفاده از منطقه کنترل دور برای مقایسه، بسیار مناسب است. منطقه دور از منطقه اجرای راه‌کار که نقش کنترل‌کننده دارد نشان می‌دهد که اگر هیچ‌گونه اقدامی برای کاهش جرم انجام نمی‌شد، وضعیت منطقه اجرای راه‌کار یا مناطق مجاور آن نیز هیچ تغییری نمی‌کرد. در ارزیابی‌ها باید دو منطقه مقایسه را انتخاب کرد؛ یک منطقه در نزدیکی منطقه اجرای راه‌کار که از فرصت‌های مشابه ارتکاب جرم برای کشف جابه‌جایی

1- Hesselning

جغرافیایی برخوردار باشد و یک منطقه را نیز به عنوان منطقه کنترل. منطقه کنترل می‌بایست با ایجاد فاصله و موانع حفاظتی دیگر (نظیر بزرگ‌راه یا رودخانه) از مسائل ناشی از جابه‌جایی محافظت شود. انتخاب درست منطقه کنترل و منطقه جابه‌جایی، اطلاعاتی درباره الگوهای جابه‌جایی عادی بزه‌کاران را به دست می‌دهد؛ چرا که اصولاً منطقه کنترل می‌بایست خارج از محدوده این اشخاص و منطقه جایگزینی می‌بایست در داخل محدوده آن‌ها باشد (بوبا¹، 2008: 143).

گروه‌های کنترل نشان می‌دهند که در صورتی که راه‌کاری اجرا نشود، چه اتفاقی برای جرایم می‌افتد. این گروه‌ها تا حد ممکن باید مشابه گروه مشمول اجرای راه‌کار باشند؛ اما نباید تحت تأثیر راه‌کار قرار گیرند. اگر در منطقه کنترل مداخله شود، به این نتیجه‌گیری گمراه‌کننده می‌انجامد که اگر هیچ راه‌کاری اجرا نشود، اوضاع بهتر خواهد شد. این نتیجه‌گیری نادرست باعث می‌شود تا ثمربخشی برنامه پیش‌گیرانه، کم‌تر از حد واقعی برآورد شود.

بهترین روش در این زمینه، ایجاد دو منطقه متحدالمرکز حول منطقه اجرای راه‌کار است. گاهی مداخله، وارد منطقه مجاور شده، اما منطقه کنترلی بیرونی را شامل نمی‌شود. این امر در صورتی ممکن است که، منطقه‌های کنترل و اجرای راه‌کار، بسیار مشابه بوده و جابه‌جایی به منطقه کنترل نرسد. مناطق کنترل مشخصاً به خاطر شباهت و جدا بودن از منطقه اجرای راه‌کار انتخاب می‌شوند. می‌توان منطقه‌های چندگانه کنترل را انتخاب کرد و نرخ جرایم آن‌ها را به‌طور میانگین محاسبه کرد.

توزیع جغرافیایی منافع

گاهی در مواردی که انتظار می‌رود که با اجرای راه‌کارهای پیش‌گیرانه وضعی، جابه‌جایی بزه‌کاری صورت گیرد، دقیقاً عکس آن اتفاق می‌افتد. به جای آن که جرم به مکان دیگری جابه‌جا شود، نرخ آن بسیار گستره‌تر از آنچه که انتظار می‌رود کاهش می‌یابد، به بیانی دیگر جرم فراتر از حیطه اقدامات صورت‌گرفته کاهش می‌یابد؛ برای مثال با نصب چراغ‌های راهنمایی مجهز به دوربین در تقاطع‌های مشخصی، علاوه بر کاهش تعداد تخلفات راهنمایی و رانندگی در این تقاطع‌ها، معمولاً می‌توان شاهد

کاهش نرخ تخلفات ارتكابی در تقاطع‌های مجاور نیز بود. به این پدیده، اصطلاحاً توزیع منافع گفته می‌شود.

به نظر می‌رسد که بزه‌کاران بالقوه از اجرای راه‌کارهای پیش‌گیرانه آگاه هستند یا کمابیش آگاه می‌شوند، اما غالباً از حیطة دقیق اجرای آن مطمئن نیستند. آن‌ها اغلب حیطة اقدامات پیش‌گیرانه را بیش‌تر از حد واقعی آن تصور کرده و فکر می‌کنند اقدامات لازم برای ارتكاب جرم در بسیاری از مکان‌ها و نسبت به بسیاری از آماج‌های جرم افزایش یافته و برای ارتكاب جرم، خطر بیش‌تری را باید متحمل شوند؛ این بدان معنی است که توزیع منافع نیز مانند انواع متفاوت جابه‌جایی بزه‌کاری، می‌تواند آشکالی متفاوت داشته باشد (کلارک و ویسبرگ¹، 2010: 79).

توزیع منافع امری غیرمنتظره است، به طوری که دستاوردهای کاربردی پیش‌گیری وضعی را به طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. اما هنوز مشخص نشده که چگونه می‌توان به طور هدفمند و آگاهانه به آن دست یافت. قطعاً یکی از بهترین شیوه‌های آن تبلیغات است. نمونه این موضوع، مبارزه تبلیغاتی در شمال انگلستان بود که موجب شد عواید و مزایای حاصل از نظارت و کنترل با دوربین‌های مداربسته جهت پیش‌گیری از تخریب اتوبوس‌ها، همۀ مجموعه 80 اتوبوس را در برگیرد، در حالی که این دوربین‌ها تنها بر روی تعداد معدودی از اتوبوس‌های آن منطقه نصب شده بود. یکی از این اتوبوس‌ها در حوالی مدارس به کار گرفته شد تا به صورت تبلیغی به دانش‌آموزان بگوید که اگر مرتکب عمل غیراخلاقی شده یا بخواهند به اتوبوس آسیب برسانند از طریق دوربین‌ها شناسایی و دستگیر شده و تصویر آنان از شبکه سراسری تلویزیون پخش خواهد شد (گروه مشارکتی لندن²، 2006: 325).

باید در نظر داشت وقتی بزه‌کاران متوجه شوند که خطرات و اقدامات برای ارتكاب جرم به گونه‌ای که تصور می‌شود افزایش نیافته است، میزان توزیع منافع کاهش می‌یابد. تحقیقات نشان داده است که این مسئله در انگلستان در مورد دستگاه دم‌سنج محقق شده است. این دستگاه به طور موقت تأثیری بیش از حد انتظار بر رانندگان مست داشت. در این مورد به نحوی عمل شد که خطر دستگیری افزایش یافته بود، اما به محض

1- Clarke and Weisburd

2- Central London Partnership

این که رانندگان دریافتند که خطر ایست و بازرسی کم شده است، مجدداً رانندگی با حالت مستی افزایش یافت. شاید این بدان معنی است که تدابیر اتخاذشده، بزه‌کاران را در مسیری هدایت می‌کند که همیشه در پی راه‌حلی باشند که با استفاده از آن بتوانند تهدیدات موجود را کاملاً شناسایی کرده و دقیقاً بدانند که اگر بخواهند مجدداً مرتکب جرم شوند به چه میزان باید تلاش کنند.

از حیث عملی، توزیع منافع از این جهت مهم است که دقیقاً عکس جابه‌جایی بزهکاری عمل می‌کند؛ بنابراین با وجود جابه‌جایی، اشاعه اقدامات پیش‌گیرانه باید استمرار داشته باشد. گام مهم در این زمینه، ارزیابی میزان توزیع است که باید به گونه‌ای باشد که این توزیع را مدیریت کند.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، مهم‌ترین مؤلفه‌های مکانی مورد توجه در عرصه جرم‌شناسی پیش‌گیری وضعی مورد بررسی قرار گرفت. معیارهای عینی شناسایی مکان‌های بحرانی، جرم‌خیز و ... و نیز قواعدی مانند قاعده 20-80 استانداردهایی را برای شناخت داغ‌ترین اماکن وقوع جرم در اختیار می‌گذارند. اساس این معیارها و قواعد، مکان‌محور بودن جرم است. با استناد به این نوع شناخت از جرم، مکان می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای مهم و مؤثر در پیش‌گیری وضعی محسوب شود؛ از این رو می‌توان با مدنظر قرار دادن آن، به راه‌کارها و تدابیر پیش‌گیرانه وضعی جهت بخشید، با معیاری واحد به کلیه جرایم پرداخت و به مؤثرترین شیوه، منابع محدود پیش‌گیری را صرف بحرانی‌ترین موقعیت‌های مرتبط با جرم کرد؛ از این نظر، طبقه‌بندی مکانی جرایم می‌تواند در شناسایی تناسب میان برخی جرایم با برخی مکان‌ها کمک شایان توجهی داشته باشد.

نتایج این پژوهش گویای آن است که بزه‌کاران در انتخاب مکان یا محل ارتکاب جرم، دست به محاسبه‌هایی منطقی می‌زنند. مجموع این محاسبه‌ها از ابعاد مختلف نشان می‌دهد که بزه‌کار برای ارتکاب جرم، اول این‌که به محل‌های ناشناخته قدم نمی‌گذارد و دوم این‌که، جرم را غالباً در نزدیکی محل سکونت یا استقرار خویش مرتکب می‌شود. در این میان، برخی از اماکن، مناطق یا محل‌ها به‌صورت دائمی محل وقوع بسیاری از جرایم محسوب می‌شوند؛ از این رو در بخش اول این مقاله، سه شاخص مهم

یعنی طبقه‌بندی مکانی جرایم، عزیمت بزه‌کاران برای ارتکاب جرم و قاعده «20-80» مطرح شده‌اند که با درک و تحلیل آن‌ها می‌توان به تشخیص محل‌ها، مناطق یا اماکن بحرانی و انتخاب مناسب‌ترین راه‌کار پیش‌گیرانه نائل آمد.

نتایج بخش دوم این مقاله با استناد به عوامل جرم‌شناختی و خاصیت هر یک از مکان‌ها از حیث جاذب، شتاب‌بخش یا خنثی بودن نسبت به جرم، بیانگر آن است که هر یک از اماکن، محل‌ها و مناطق می‌تواند به واسطه وجود یک علت و خاصیت یا تلفیقی از علل، بحرانی قلمداد شود؛ از این رو پس از این بررسی می‌توان متناسب‌ترین راه‌کار یا یک بسته راه‌کار پیش‌گیرانه را به همراه شیوه و مدت اجرای آن پیشنهاد داد. جابه‌جایی بزه‌کاری و توزیع منافع به‌عنوان بازخوردهایی معمولاً غیرمنتظره در حین اجرای راه‌کارهای پیش‌گیرانه مطرح و تشریح شده‌اند. اگرچه تحقیقات صورت‌گرفته در راستای این دو موضوع به‌ویژه توزیع منافع اندک هستند، اما با یافته‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که وقوع جابه‌جایی بزه‌کاری حتمی نیست و در صورت وقوع نیز می‌توان شیوه اجرای راه‌کارها را به‌گونه‌ای تغییر داد که سازگاری بزه‌کاران با آن یا جابه‌جایی بزه‌کاری را به حداقل رساند.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد‌های زیر قابل ارائه است:

1- گامی اساسی در زمینه شناسایی نقاط، اماکن، مسیرها و محل‌های بحرانی برداشته شود. برای شناسایی علمی این موضوع، بررسی و تحلیل نظام‌مند لازم است. در این زمینه راهبردهای تحلیلی ارائه‌شده در این مقاله، تدابیری کلیدی محسوب می‌شوند؛ اما از آن‌جا که عنصر زمان و اقلیم هر مکان یا منطقه، نقش مهمی در این زمینه دارد، یکی از بهترین طرق ممکن برای اجرایی کردن این راهبردهای نسبتاً کلان عبارت است از طراحی نظام جامع اطلاعات پیش‌گیری. در واقع باید نظامی را طراحی کرد که حاوی اطلاعات بومی از منابع گوناگون مرتبط با جرایم مختلف باشد. در این نظام باید از کلیه اطلاعات جرم موجود در سازمان‌ها، نهاد‌های دولتی و غیردولتی مانند بیمه‌گذاری‌ها، اورژانس بیمارستان‌ها، اتحادیه‌ها یا کارگزاران فروشگاه‌های اجناس دست دوم، بزه‌کاران،

بزه‌دیدگان و به‌ویژه شهروندان استفاده کرد. بهتر است که این نظام اطلاعات توسط تحلیل‌گران جرم و در سازمان پلیس تأسیس و تدوین شود؛ زیرا پلیس در سراسر کشور اولین نهادی است که با جرم مواجه می‌شود. با تشکیل نظام جامع اطلاعات می‌توان به انجام تحلیل دقیق و علمی جرایم واقع شده در هر مکان، محل یا منطقه پرداخت و به شناسایی جرم‌خیزترین اماکن، محل‌ها و مناطق نایل آمد.

2- از نقشه‌های جرم به شیوه‌ای بهینه بهره گرفته شود؛ با ترسیم نقشه جرم می‌توان به اطلاعاتی دست یافت که معمولاً نظام‌های اطلاعاتی یا نرم‌افزارهای تحلیل جرم از این اطلاعات برخوردار نیستند. برای کاربردی کردن این پیشنهاد باید در ترسیم نقشه جرم به نکات زیر توجه کرد:

- صرفاً از مهم‌ترین و سودمندترین اطلاعات بهره گرفته شود؛
- ساده ترسیم شوند؛
- از ترسیم اطلاعات کلی همه جرایم خودداری شود؛ بلکه صرفاً اطلاعات جرم مورد نظر، اما به تفصیل ترسیم شود؛
- نقشه باید دارای مقیاس و جهت جغرافیایی باشد؛
- در کنار نقشه بهتر است از جدول و شکل نیز استفاده شود.

3- با این‌که در زمینه پیش‌گیری وضعی از جرم، تحقیقات نظری فراوانی صورت گرفته است، اما همچنان به‌نظر می‌رسد که در بسیاری از کشورها، چارچوب و مبنای مدونی وجود ندارد که تدابیر مؤثر در این زمینه را از موارد غیر مؤثر تفکیک کند. این مسئله از آن‌جا نمود بیشتری می‌یابد که اول این‌که راه‌کارها و تدابیر پیش‌گیرانه با سرعت غیر قابل وصفی رو به تغییر و پیشرفت هستند و دوم این‌که در مواردی که به‌صورت پراکنده، به کارایی یا عدم کارایی راهبرد یا راه‌کاری اشاره می‌شود، این اشارات فاقد مبنای علمی قوی یا متقاعدکننده‌ای هستند، و صرفاً متکی به تجربه یا اجرائیات مقطعی می‌باشند. از سویی با عنایت به این‌که «بومی بودن راه‌کارها یا تدابیر مذکور» یکی از مهم‌ترین معیارهای

موفقیت یا شکست آن در اجرا محسوب می‌شود، اشارات مبتنی بر مشاهده، مصاحبه، آمار و ... فاقد معیارهای علمی لازم برای مطرح شدن یا استفاده از آن در سایر اماکن می‌باشد؛ از این رو به‌عنوان یک امر پژوهشی پیشنهاد می‌شود که علاقه‌مندان، طی یک پروژه کلان پژوهشی، در قالب پژوهشی فراتحلیلی و با توجه به معیارهای علمی و کاربردی حاکم بر راه‌کارها و تدابیر پیش‌گیرانه، به بررسی نظام‌مند امور پیش‌گیرانه مؤثر و غیرمؤثر در مکان‌های بحرانی جرم پردازند.

- 4- در راستای علت‌شناسی بحرانی بودن برخی اماکن، محل‌ها و مناطق نسبت به سایر اماکن، محل‌ها و مناطق، مطالعه موردی با معیارهای زیر انجام شود:
- اماکن، محل‌ها و مناطق بحرانی به‌دقت تعریف و معین شوند. این کار را می‌توان با استفاده از هرگونه سابقه یا فرایند تحلیلی انجام داد؛
 - از اماکن، محل‌ها و مناطق بحرانی یک نمونه آماری انتخاب شود. این کار را می‌توان با انتخاب یک مجتمع آپارتمانی، یک خیابان یا یک محله بحرانی انجام داد؛
 - از سایر اماکن، محل‌ها و مناطق غیربحرانی مجاور یا مشابه، یک نمونه به‌عنوان کنترل انتخاب شود. مکان یا محل یا منطقه کنترل باید عاری از جرم یا جرایم مورد نظر باشد؛
 - از اماکن، محل‌ها و مناطق غیربحرانی یک نمونه آماری انتخاب شود. این کار را می‌توان با انتخاب یک مجتمع آپارتمانی، یک خیابان یا یک محله غیربحرانی انجام داد؛
 - نمونه کنترل با نمونه بحرانی مقایسه شود. این کار را با مقایسه مشخصه‌های جرم‌شناختی دو نمونه می‌توان انجام داد.

هدف از انجام این مطالعه، دستیابی به مؤلفه‌ها، مشخصه‌ها و معیارهایی است که باعث بحرانی شدن چنین اماکن، محل‌ها و مناطقی نسبت به موارد مشابه می‌شود. این نوع مطالعه که مزیت اصلی آن، بومی بودن است، می‌تواند در تحلیل و علت‌شناسی بحرانی شدن موارد مذکور کمک شایان توجهی داشته باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی، شهرام (1387). پیش‌گیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر. پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دانش، تاج زمان (1366). مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟ چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- رحمت، محمدرضا (1388). پیش‌گیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات میزان.
- رشادتی، جعفر (1387). پیش‌گیری از جرم در قرآن. اولین همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
- رضایی، مهرانگیز و همکاران (1388). تحلیل فضایی و پیش‌گیری از جرم با استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال چهارم، شماره 11.
- کلانتری، محسن (1382). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- کلانتری، محسن؛ توکلی، مهدی (1386). شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری. فصل‌نامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره 2.
- کُلکوئن، ایان (1387). طراحی عاری از جرم، ایجاد مناطق امن و پایدار. ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا عامری سیاهویی، تهران: انتشارات میزان.
- کی‌نیا، مهدی (1370). مبانی جرم‌شناسی. جلد دوم، بخش دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدنسل، غلامرضا (1387). مجموعه مقالات پلیس و پیش‌گیری از جرم. تهران: انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری و معاونت آموزش ناجا.
- نوربها، رضا (1386). زمینه جرم‌شناسی. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- وینتر، هرولد (1389). اقتصاد جرم: مقدمه‌ای بر تحلیل عقلانی جرم. ترجمه علی‌حسین صمدی، جواد آماره و حمیدرضا حسین‌پور، شیراز: انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی فارس و انتشارات نور علم.
- Boba, R. (2008). Crime Analysis and Crime Mapping. Thousand Oaks (California): Sage.

- Brown, R. (2006). The Role of Project Management in Implementing Community Safety Initiatives. In J. Knuttson and R. Clarke (eds.), *Putting Theory to Work: Implementing Situational Crime Prevention and Problem-Oriented Policing*. Crime Prevention Studies, Vol. 20. Monsey (New York): Criminal Justice Press.
- Central London Partnership (2006). *A Safer Central London? Business Improvement Districts and Police Reform*. CLP Briefing Paper, July.
- Clarke, R., and J. Eck (2009). *Crime Analysis for Problem-Solvers: In 60 Small Steps*. Washington, D.C.: U.S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services.
- Clarke, R.V. and G.R. Newman (2008). *Designing out Crime from Products and Systems: Crime revention Studies*, Vol. 18. Monsey (New York): Criminal Justice Press.
- Clarke, R., and D. Weisburd (2010). *Diffusion of Crime Control Benefits: Observations on the Reverse of Displacement*. In R. Clarke (ed.), *Crime Prevention Studies*, Vol. 54. Monsey, N.Y.: Criminal Justice Press.
- Cornish, D., and R. Clarke (2009). *Situational Prevention, Displacement of Crime and Rational Choice Theory*. In K. Heal and G. Laycock (eds.), *Situational Crime Prevention: From Theory into Practice*. London: Her Majesty's Stationery Office.
- Cornish, D., and R. Clarke (2008). *The Reasoning Criminal: Rational-Choice Perspectives on Offending*. New York: Springer-Verlag.
- Eck, J. (2007). *Preventing Crime at Places*. In L. W. Sherman, D. Farrington, and B. Welsh (eds.), *Evidence-Based Crime Prevention*. New York: Routledge.
- Eck, J., and W. Spelman (2008). *Problem-Solving: Problem-Oriented Policing in Newport News*. Washington, D.C.: Police Executive Research Forum.
- Goldstein, H., and C. Susmilch (2006). *Experimenting With the Problem-Oriented Approach to Improving Police Service: A Report and Some Reflections on Two Case Studies*. Vol. 4 of the Project on Development of a Problem-Oriented Approach to Improving Police Service. Madison: University of Wisconsin Law School. Retrieved May 25, 2008, from Center for Problem-Oriented Policing.
- Hesseling, R. (2007). *Displacement: A Review of the Empirical Literature*. In R. Clarke (ed.), *Crime Prevention Studies*, Vol. 3. Monsey, N.Y.: Criminal Justice Press.
- Institute for Law and Justice; Science Applications International Corporation, Hallcrest Division (2008). *Operation Cooperation: Guidelines for Partnerships between Law Enforcement & Private Security Organizations*. Washington, D.C.: U.S. Bureau of Justice Assistance.

- Laycock, G. (2007). Rights, Roles and Responsibilities in the Prevention of Crime. In T. Bennett (ed.), Preventing Crime and Disorder: Targeting Strategies and Responsibilities. Cambridge (United Kingdom): University of Cambridge.
- Laycock, G., and N. Tilley (2006). Implementing Crime Prevention. In M. Tonry and D. Farrington (eds.), Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention. Chicago: University of Chicago Press.
- Pease, K. (2006). A Review of Street Lighting Evaluations: Crime Reduction Effects." In K. Painter and N. Tilley (eds.), Surveillance of Public Space: CCTV, Street Lighting and Crime Prevention. Monsey (New York): Criminal Justice Press.
- Pease, K. (2008). Cracking Crime through Design. London: Design Council.
- Scott, M. (2009). Implementing Crime Prevention: Lessons Learned From Problem-Oriented Policing Projects. In J. Knuttson and R. Clarke (eds.), Putting Theory to Work: Implementing Situational Crime Prevention and Problem-Oriented Policing. Crime Prevention Studies, Vol. 20. Monsey (New York): Criminal Justice Press.
- Scott, M.S. and H. Goldstein (2010). Shifting and Sharing Responsibility for Public Safety Problems. Response Guide No. 3. Problem-Oriented Guides for Police Series. Washington, D.C.: Office of Community Oriented Policing Services, U.S. Department of Justice.
- Sherman, L., D. Gottfredson, D. MacKenzie, J. Eck, P. Reuter, and S. Bushway. (2007). Preventing Crime: What Works, What Doesn't, and What's Promising. Washington, DC: U.S. Department of Justice. NCJ 165366.
- Tilley, N. (2005). The Prevention of Crime against Small Businesses: The Safer Cities Experience. Crime Prevention Unit Series, Paper 45. London: Home Office.

